

Original Article

Criminal and Civil Liability of the Lawyer of the Judiciary in the Direction of Advocacy Regarding the Client with an Emphasis on Citizenship Rights

Hamzeh Rezaei^{1*}, Bahman Keshavarz², Abbas Sadeghian³, Fattah Shiri⁴

1. Graduated from Master of Criminal Law and Criminology, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. (Corresponding author) Email: h.rezaei98@gmail.com
2. Master of Criminal Law and Criminology and Private Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
3. Bachelor of Law Student, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran.
4. Master of Private Law, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

Received: 18 Jul 2018

Accepted: 18 May 2020

Abstract

With the Passage of Time and the Expansion of Civil and Criminal Laws and the Procedure Becoming More Complicated, The Need For a Lawyer has Increased, and the Right to Have the Services of the Lawyers of the Judiciary has Allocated More Stringent Legal Protections in the World to Itself. The Topic of Crimes and Violations of the Lawyers of the Judiciary and Issues Related to it on the one Hand, Will Maintain the Rights of the Honorable Job of Advocacy and on the Other Hand, Will Acquaint the Clients With the Contractual Rights Arising From the Advocacy Contract. And Their Citizenship Rights are Also Observed. The Proposed Question is What Crimes Can be Realized by a Lawyer of the Judiciary in the Direction of Advocacy Affair Regarding a Client? And are There Rules and Regulations That Can Guarantee the Implementation of all Violations by the Lawyers of the Judiciary? In Examining the Specific Crimes of the Lawyers of the Judiciary, the Most Important of Which Can be Mentioned as the Disclosure of Professional Secrets, Tax Issues Fraud, Claiming Influence and Pretending to Advocacy; Lawyers' Violations Regarding Clients, the Judiciary and the Bar Association are Most Evident. The Necessity to Perform This Article is to Realize Violations Without a Guarantee of Enforcement, Which Deserves Special Attention of the Responsible Authorities. Although the Research Findings are the Identification of Specific Crimes and Violations of Advocacy Regarding the Client, But the Main Challenge in This Article is the Lack of Adequate Rules and Regulations to be Able to Ensure the Implementation Guarantee of All Legal Violations of Lawyers, the Absence of Which Will Undoubtedly Lead to the Impudence of Violating Lawyers and the Violation of the Rights of the Litigants as Clients, Which Would Undermine the Dignity and High Value of Advocacy. The Twenty-Four Efforts of the Lawyers of the Judiciary are in Order to Honor the Position of Advocacy and the Citizens' Legal Assistance, Lest no Dust Settles on Justice, That This Issue Can be Realized With the More Than Ever Supervision of the Bar Association of the Judiciary by Considering Citizens' Rights.

Keywords: Lawyer; Client; Advocacy; Criminal Law; Civil Rights; Citizenship Rights

Please cite this article as: Rezaei H, Keshavarz B, Sadeghian A, Shiri F. Criminal and Civil Liability of the Lawyer of the Judiciary in the Direction of Advocacy Regarding the Client with an Emphasis on Citizenship Rights. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 79-91.*

مسئولیت کیفری و مدنی وکیل دادگستری در راستای امر وکالت در قبال موکل با تأکید بر حقوق شهروندی

حمزه رضایی^{۱*}، بهمن کشاورز^۲، عباس صادقیان^۳، فتاح شیری^۴

۱. دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: h.rezaii98@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

۴. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۹

چکیده

با گذشت زمان و گسترش قوانین مدنی و جزایی و پیچیده‌تر شدن آیین دادرسی نیاز به وکیل افزایش یافته و حق برخورداری از خدمات وکلای دادگستری مورد حمایت‌های قانونی دقیق‌تری در جهانی به خود گرفته است. بحث از جرائم و تخلفات وکلای دادگستری و مسائل پیرامون آن از یک سو حافظ حقوق شغل شریف وکالت بوده و از دیگر سو موکلین را به حقوق قراردادی ناشی از عقد وکالت آشنا خواهد ساخت. و حقوق شهروندی آنان نیز مراعات می‌گردد مسئله‌ای که مطرح است این است که چه جرائمی از سوی وکیل دادگستری در راستای امر وکالت در قبال موکل قابل تحقق هست؟ و آیا آیین‌نامه و قوانینی که بتواند ضمانت اجرای تمامی تخلفات وکلای دادگستری را تضمین نماید وجود دارد؟ در بررسی جرائم خاص وکلای دادگستری که از همه مهم‌تر می‌توان به افشای اسرار حرفه‌ای، تقلب نسبت به مسائل مالیاتی، ادعای اعمال نفوذ و تظاهر به وکالت اشاره نمود، تخلفات وکلا در مقابل موکلان، دادگستری و کانون وکلا بیشتر از همه نمایان می‌گردد. ضرورت انجام این مقاله در پی بردن به تخلفات فاقد ضمانت اجرا می‌باشد که شایسته توجه ویژه مقامات مسؤول می‌باشد، هرچند یافته تحقیق شناسایی جرائم و تخلفات خاص وکالت در قبال موکل می‌باشد، ولی چالش اصلی در این مقاله فقدان آیین‌نامه و قوانین کافی است تا بتواند ضمانت اجرای تمامی تخلفات قانونی وکلا را تضمین نماید که نبود آن بی‌شک موجب جری شدن وکلای متخلف و تزییع حقوق طرفین دعوا به‌عنوان موکلان خواهد بود که شان و ارزش والای وکالت را خدشه‌دار می‌سازد. تلاش شبانه‌روزی وکلای دادگستری در جهت ارج نهادن به مقام وکالت و معاضدت قضایی شهروندان می‌باشد که مبدا غباری بر روی عدالت نشیند که این امر با نظارت بیش از پیش کانون وکلای دادگستری با مد نظر دادن حقوق شهروندی قابل تحقق می‌باشد.

واژگان کلیدی: وکیل؛ موکل؛ وکالت؛ حقوق جزایی؛ حقوق مدنی؛ حقوق شهروندی

مقدمه

در کشور ما حرفه وکالت از یک قرن پیش رسمیت داشته و قانون تشکیل عدلیه ۱۳۲۹ قمری شرط پذیرفته شدن در کسوت وکالت را آزمون ویژه، نداشتن سابقه محکومیت و سرانجام یاد کردن سوگند در برابر دادگاه استیناف ذکر کرده بود. قبل از مشروطیت (۱۲۸۶ خورشیدی برابر ۱۹۰۶ میلادی) اشخاصی به عنوان وکیل در محاکم عرفی و شرعی حضور می‌یافتند، ولی شغل و حرفه آنان وکالت نبود. قانون تشکیل عدلیه مصوب ۱۳۲۹ قمری (۱۲۹۱ خورشیدی) وکلای دادگستری را به وکیل رسمی و غیر رسمی تقسیم کرد. وکیل رسمی دارای شغل وکالت بود، ولی وکیل غیر رسمی به گونه اتفاقی وکالت می‌کرد. در سال ۱۳۳۲ قمری (۱۲۹۴ خورشیدی) فرمانی از سوی وزارت دادگستری صادر شد و آزمون‌هایی را برای وکلای دادگستری پیش از عهده‌دار شدن وکالت پیش‌بینی کرد در سال ۱۳۰۶ خورشیدی، عنوان وکیل غیر رسمی از بین رفت و تنها وکلای رسمی مجاز به وکالت در دادگاهها شناخته شدند در همین قانون مقررات انتظامی جدیدی برای تخلف وکلا به وجود آمد که از جمله آنها محدود ساختن وکالت وکیل در بخشی از دادگاهها بود در سال ۱۳۰۹ یعنی ۷۱ سال پیش کانون وکلای دادگستری به وجود آمد و شعبه معاضدت قضایی از همان هنگام در کانون وکلا تشکیل گردید.

۱- تعاریف و مفاهیم

۱-۱- **مفهوم مسئولیت مدنی:** عبارت «مسئولیت» در لغت به معنای مؤاخذه و بازخواست است (۱) و حداقل در حقوق ما اصطلاح جدیدی است و به نظر می‌رسد که جایگزین اصطلاح قدیمی «ضمان» است، هرچند کلمه ضمان در قدیم هم در مفهوم مسئولیت مدنی و هم در مسئولیت جزایی به کار می‌رفته است.

قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ از مسئولیت مدنی تعریفی ارائه نداده است ولیکن با توجه به تعاریف انجام‌شده توسط اساتید حقوق می‌توان آن را چنین تعریف نمود: «کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زبانی وارد کند.»

بر این اساس رابطه دینی ویژه‌ای میان زیان‌دیده و واردکننده زیان ایجاد می‌شود و زیان‌دیده بستانکار و واردکننده زیان «مسئول» بدهکار، نامیده می‌شود. و همان‌طور که در تمامی دیون دیگر، بدهکار باید ایفاء بدهی کند، در مسئولیت مدنی واردکننده زیان با تأدیه وجه یا نوع دیگری از انواع جبران خسارت، آن را تدارک نماید، به دیگر سخن، از آنجا که حتی در ورود ضرر به عمد، چون مقصود ضررزننده، ایجاد اضرار است نه ایجاد دین برای خود، کار او را باید در جرگه وقایع حقوقی شمرد. مسئولیت مدنی هیچ‌گاه نتیجه مستقیم عمل حقوقی نیست (۲).

در این قسمت از مقاله به دلیل تطبیقی بودن مسئولیت جزایی وکیل و مسئولیت مدنی وکیل در کنار هم به صورت امتزاجی ارائه می‌گردد.

۲-۱- مفهوم مسئولیت مدنی و جزایی

۳-۱- **مسئولیت جزایی:** مسئولیت مرتکب بزهی از جرائم مصرح در قانون را گویند و شخص مسئول به یکی از کیفرهای مقرر در قانون خواهد رسید (۳) و این نوع مسئولیت نسبی است و با مسئولیت مدنی دارای وجوه افتراقی که به شرح ذیل به آن می‌پردازیم:

الف) قلمرو و ضرر: در مسئولیت مدنی خسارات وارده عموماً متوجه به یک شخص و فرد می‌باشد ولیکن در مسئولیت جزایی ضرر وارده متوجه اجتماع است.

ب) اسقاط حق به صلح و سازش: در خصوص مسئولیت جزایی اسقاط حق به صلح و سازش میسر نیست ولیکن در مسئولیت مدنی علی‌الاصول تمامی ضرر و زیان‌های وارده از خرد و بزرگ قابلیت سازش را دارند (۳).

۴-۱- مسئولیت توأمان جزایی - مدنی: بعضی جرائم،

هرچند دارای کیفرهای سنگینی است، با این حال به علت عدم ورود خسارت مادی یا معنوی به اشخاص، با مسئولیت مدنی همراه نیست، مانند جرائم جاسوسی و ... و عکس آن هم مصداق دارد، یعنی بسیاری از مسئولیت‌های مدنی بزه محسوب نمی‌گردد، ولیکن در بعضی از فعل یا ترک فعل‌ها، هر دو نوع مسئولیت مصداق دارد (۴) مانند کلاهبرداری و سرقت و ... که در بزه کلاهبرداری، کلاهبردار علاوه بر تحمل

کیفر، بایستی آنچه را که از محکوم‌له اخذ کرده است، عیناً به او مسترد نمایند (۵).

ج) طرق رسیدن به جبران خسارت (خسارت): هرچند سابق به لحاظ آیین دادرسی، دعوای جزایی توسط مدعی‌العموم و طی تشریفات خاص صورت می‌گرفت ولیکن با تصویب و اعمال قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب جدید دادرسی و دادستان «به جز موارد خاص» از اشخاص و مراجعی است که می‌توانند تخلف وکیل را اعلام کنند.

۵-۱- **تعریف وکیل:** وکیل اصولاً به کسی گفته می‌شود که حرفه و پیشه خود را دفاع و تعقیب از دعوای در محاکم قرار داده و در مسائل مطروحه اظهار نظر نماید (۶).

۶-۱- **تعریف وکالت:** وکالت عقدی است که به موجب آن شخص به دیگری اختیار عملی را به نام و به نفع خود می‌دهد (۷) و بعضی از فقهاء آن را چنین تعریف نموده‌اند: «وکالت سپردن کار به دیگری است تا مورد وکالت را در حیات انجام دهد یا راه انداختن امری از امور را برای او در حال حیاتش به او ارجاع دهد» (۸).

۲- محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌هایی که ما در این تحقیق با آنها روبه‌رو بودیم این بود که با عنایت به گسترده‌گی مسئولیت کیفری و مدنی وکیل دادگستری در قبال موکل که این تحقیق در پرتو حقوق شهروندی نیز همگام بود محدودیت در وسعت مطالعه بررسی در چندین حوزه (کیفری و جزایی و تخلفات صنفی) خاصه قوانین خاص اسکودا، آیین‌نامه‌ها و قواعد عمومی لازم بود که هم جنبه‌های کیفری و هم جنبه‌های مدنی این موضوع را مورد مطالعه قرار دهیم.

۳- پیشینه پژوهش

۱-۳- ساعی و ثقفی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی وکیل و موکل در وکالت مخفی در نظام حقوقی ایران و انگلیس به این نتیجه رسیده‌اند که وکالت مخفی از انواع وکالت است که در آن هویت موکل در قرارداد وکیل با شخص ثالث پنهان می‌ماند و ثالث گمان می‌کند که وکیل طرف اصلی قرارداد اوست. لیکن وکالت مخفی مسئولیت موکل را نه از باب قرارداد بلکه بر مبنای

مسئولیت مدنی اثبات می‌کند. در حقوق ایران، تنها ماده ۱۹۶ قانون مدنی و به صورت ضمنی، به بیان وکالت مخفی پرداخته است چنانچه اعمال وکیل و موکل در راستای پنهان نمودن هویت وکیل با سوء نیت همراه باشد، می‌توان این اقدامات را از مصادیق جرم تبانی و یا کلاهبرداری محسوب نمود.

۲-۳- شفیعی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان مسئولیت وکیل مستعفی در قبال خسارت‌های وارد به موکل به این نتیجه رسیده است که «وکالت»، عقدی جایز است و به موجب ماده ۶۷۸ قانون مدنی، به سبب عزل موکل یا استعفای وکیل، مرتفع می‌شود. طبق متون فقهی، وکیل امین می‌باشد و جز در صورت تعدی و تفریط، ضامن نخواهد بود، اما آیا وکیل می‌تواند با استفاده از حق خود، بدون توجه به وضعیت موکل و اقداماتی که انجام داده است، استعفا داده و امور مربوط به موکل را رها سازد؟ پاسخ به این سؤال در گرو تبیین نوع وکالت، شرایط وکیل، زمان و اوضاع و احوال مربوط به استعفای وکیل است. رفتارهایی چون عدم اعلام به موقع استعفا به موکل، نابهنگام بودن استعفا، تقصیر و قصد اضرار وکیل نیز مسلماً او را در موضع مسئولیت قرار خواهد داد.

۳-۳- کریمی و صفایی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان مسئولیت مدنی وکیل دادگستری در برابر طرف دعوی و حق شرعی و اخلاقی ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که این نوع از مسئولیت وکیل دادگستری در مقابل طرف محاکمه، در قالب عقد و قرارداد نمی‌گنجد، و خارج از اصل «نسبی بودن قرارداد» و مسئولیت قراردادی است، به همین سبب، طرف دعوی، (ثالث) قلمداد می‌گردد و اینکه وکیل دادگستری در مقابل طرف مخاصمه حقوقی، مسئولیتی خواهد داشت یا نه؟ از دیرباز اتفاق نظر در این زمینه وجود نداشته و یک دیدگاه سنتی معتقد است که حتی تصور مسئولیت برای وکیل، تمرکز او را در دفاع از بین می‌برد و این نگرانی در زمینه مسئولیت از دفاع مطلوب وکیل جلوگیری می‌کند، اما نظریه جدید و اقتضانات شغلی و حرفه‌ای وکالت منجر به مسؤول شناختن وکیل با فراهم آمدن شرایطی می‌شود و تکالیف قانونی هم مهر تأیید بر ایجاد مسئولیت برای وکیل در برابر ثالث طرف دعوی می‌زند.

مورد و بنا به اقتضاء حکم مقتضی صادر نمایند در این مبحث اشخاص و مراجعی که می‌توانند تخلفات وکیل را اعلام نمایند را مشخص می‌نماییم و با ذکر مواد قانونی از قانون وکالت و لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری سعی بر آن گردیده است که از تکرار موارد اضافی خوداری شود چرا که مقنن تمامی موارد را در این مواد قانونی به وضوح بر شمرده است، اشخاص و مراجعی که می‌توانند تخلفات وکیل را اعلام نمایند عبارتند از: (۱) رئیس قوه قضائیه، (۲) رئیس کانون وکلا، (۳) رؤسای محاکم، (۴) دادستان محل، (۵) سایر اشخاص.

۱-۵- مرجع رسیدگی به تخلفات وکلای دادگستری:

در لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مراجعی تعیین گردیده‌اند که می‌توانند به تخلفات و جرایم وکلای دادگستری رسیدگی نمایند و در واقع تنها این مراجع می‌توانند به تخلفات وکلای دادگستری رسیدگی کنند چرا که مطابق شق ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری هیچ وکیلی را از تاریخ اجرای این قانون نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی. این مراجع شامل دادرسی انتظامی وکلاء و دادگاه انتظامی می‌باشد مطابق شق ۱۳ لایحه قانون استقلال کانون وکلا تشکیلات دادرسی شامل دادستان وعدهای لازم دادیار که از طرف هیأت‌مدیره کانون برای مدت ۲ سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد - دادرسی انتظامی وکلا پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب صادر می‌نماید که قرار منع تعقیب از طرف شاکی ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه‌های انتظامی وکلا خواهد بود. همچنین مطابق شق ۱۴ قانون استقلال کانون وکلای دادگستری دادگاه انتظامی از ۳ نفر وکیل درجه یک به انتخاب هیأت‌مدیره به مدت دو سال تشکیل و رسیدگی می‌نماید که در زیر به مواد قانونی مربوط به این مبحث آورده شده است.

به صورت مصداقی اگر به جرائم وکلا پردازیم می‌توانیم در زمینه‌ی بزه افشاری اسرار حرفه‌ای نام ببریم که در قانون

در مقالات فوق، هرچند دارای نقاط قوت زیادی می‌باشند لیکن در تطبیق با عنوان مقاله ما، یافته‌های حاصل از این مقاله به صورت کاربردی بیان شده‌اند، ولی در مقالات فوق صرفاً به صورت کلی‌گویی پرداخته شده است و فقط مسئولیت مدنی وکیل را مورد مطالعه قرار داده‌اند و اشاره‌ای به مسئولیت کیفری وکیل نداشته‌اند مضافاً اینکه این مقاله در تطبیق با حقوق شهروندی می‌باشد که در پیشنهادی که در چند مقاله فوق ارائه گردید هیچ‌گونه اشاره‌ای به حقوق شهروندی که از سوی وکیل نسبت به موکل باید رعایت گردد یافت نگردید.

۴- ضرورت و اهمیت

ضرورت انجام این مقاله در این است که با عنایت به اینکه تاکنون پژوهشی در خصوص مسئولیت کیفری و حقوقی وکیل دادگستری به صورت توأمان را مورد پژوهش قرار دهد یافت نشده، ضمناً بسیاری از تخلفات بدون ضمانت اجرا از سوی وکلایی که به قوانین و اخلاق پایبند نیستند رخ می‌دهد که مسئولیت کیفری و مدنی برای وکیل دادگستری به بار می‌آورد و این دست رفتار و اعمال سبب می‌گردد که دید جامعه را به این قشر سختکوش تغییر دهد بنابراین می‌طلبد ضمانت‌های اجرایی برای این دست تخلفات در نظر گرفته شود فرضاً بر اساس آیین‌نامه اتحادیه کانون وکلای دادگستری وکیل زمانی که در یک حوزه به‌عنوان کارآموز وکالت پذیرفته شده است تنها در آن حوزه می‌تواند دفتر دائر نماید لیکن به دلیل کاستی‌های قانونی گاه‌گاه مشاهده می‌گردد که به نام مؤسسه حقوقی چندین دفتر در نقاط مختلف کشور دائر نموده است که ضمانت اجرای خاص برای این دست اشخاص در نظر گرفته نشده است که لازم است در این موارد و موارد مشابه اسکودا آیین‌نامه‌هایی جهت تخلفات این دست وکلا پیش‌بینی نماید.

۵- مرجع رسیدگی به جرائم وکلا

آنچه مسلم است مرجعی می‌باید به تخلفات و جرایم اختصاصی وکلای دادگستری رسیدگی نماید همچنین اشخاص و مراجعی نیز می‌توانند این تخلفات را به این مراجع اعلام نمایند تا این مراجع وارد به رسیدگی شوند و حسب

۱۸۷ برنامه سوم توسعه ... مصوب ۱۳۸۵/۰۴/۲۷ قوه قضائیه «اگر به موجب قرارداد فی مابین مبلغ حق الوکاله مازاد بر تعرفه تعیین شده باشد درج این مبلغ در وکالت‌نامه و ارائه آن جهت ابطال تمبر علی‌الحساب مالیاتی موضوع شق ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب سال ۱۳۶۶) لازم خواهد بود چنانچه وکیل با کتمان واقع در وکالت‌نامه مبلغ حق الوکاله را طبق تعرفه اعلام و به این مأخذ ابطال تمبر شود، اما حق الوکاله بیشتری دریافت نماید عمل وکیل در صورت انطباق با شق ۲۰۱ آن قانون قابل تعقیب جزایی خواهد بود.

۲-۶- حيله و تقلب در اخذ وجه يا سند تعهدآور از

موکل: از بزه کلاهبرداری و شروع به کلاهبرداری تعاریف گوناگونی ارائه شده است. برخی کلاهبرداری را عبارت از بردن مال غیر از طریق توسل توأم با سوء نیت به وسایل متقلبانه دانسته و شروع به کلاهبرداری را توسل توأم با سوء نیت به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری تعریف کرده‌اند (۹).

شق ۳۴ قانون وکالت مقرر می‌دارد: دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به‌عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشد ولو به‌عنوان وجه التزام و نذر ممنوع است. مرتکب به کیفر انتظامی از درجه ۵ به بالا محکوم می‌شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشأ ترتیب اثر نخواهد بود.

۳-۶- خیانت امانت توسط وکیل دادگستری: بزه

مرتبط دیگر که از سوی وکیل دادگستری ممکن است رخ دهد خیانت در امانت می‌باشد عناصر مادی بزه خیانت در امانت عبارتند از: استعمال، تصاحب، اتلاف یا مفقود کردن مال مورد امانت که در شق ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است. اگرچه به نظر برخی از حقوقدانان تمامی این صور از طریق فعل محقق است و ترک فعل نمی‌تواند عنصر مادی بزه موضوع این شق باشد (۱۰).

عنصر معنوی بزه موضوع این شق سوء نیت عام به معنای قصد انجام عمل تصاحب، استعمال، تلف یا مفقود نمودن مال موضوع امانت است که سوء نیت خاص یعنی قصد اضرار به غیر نیز در سوء نیت عام مستتر است. وکیل باید از هر حیث

مجازات اسلامی نیز قانونگذار محترم مشعر است که اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. در این خصوص چنانچه وکیل اسرار موکل خود را افشا نماید به کیفر قانونی ذیل محکوم می‌گردد و علاوه بر مسؤولیت جزای مسؤولیت مدنی نیز به همراه خواهد داشت.

به موجب شق ۸ اساسنامه رم (statute) وکیل باید رازداری کلیه اطلاعاتی را که در مورد موکل خویش به دست می‌آورد حتی پس از آنکه وکالت وی خاتمه پذیرد رعایت نماید.

۶- جرایم وکلای دادگستری

۱-۶- تقلب نسبت به مسائل مالیاتی: وکلاء باید

مراقبت نمایند کلیه مخارجی که در جریان دادرسی تعلق می‌گیرد دیناری حق دولت تضییع نشود چه هر قدر، قدرت مالی زیادتیر شود به همان اندازه بسط و توسعه سازمان‌های قضایی صورت تحقق به خود گرفته و اجزا عدالت در تمام نقاط آسان و عملی خواهد شد. پس وکلاء نسبت به درآمد خود برای پرداخت مالیات راستگو و صدیق باشند، زیرا عمل وکلا باید سرمشق سایر مودیان مالیاتی باشد چه وکلا بیشتر به معانی قانون و اهمیت آن پی برده و بیشتر منظور قانون‌گذار را در امور مالی که منتهی به رفاه و آسایش عمومی می‌شود منظور نظر قرار دهند و طوری نکنند که دستگاه مالی کشور مانند سایر مودیان مالیاتی با آنان رفتار نمایند.

وکلا دادگستری نیز همانند سایر شاغلین مشاغل آزاد مکلف به پرداخت مالیات برابر مقررات قانون مالیات‌های مستقیم هستند به موجب شق ۱۰۳ قانون مذکور «وکلا دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی وکالت می‌کنند مکلفند در وکالت‌نامه‌های خود رقم وکالت را قید نمایند و معادل پنج درصد آن معادل علی‌الحساب مالیاتی روی وکالت‌نامه تمبر الصاق و ابطال نمایند...».

حسب مقررات شق ۲ آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای موضوع شق

معنی برداشت غیر قانونی اموال و وجوه دولتی توسط مأمور دولت است فلذا عنوان اختلاس در این شق مفهومی ندارد (۱۱).

۷- اجرای عدالت و حقوق شهروندی

بر اساس شق ۵ آیین رفتار حرفه‌ای وکلای مدافع، وکیل باید در جهت صیانت از حقوق شهروندان و اجرای عدالت در روابط خود با موکلان و مراجعان.

الف) دعوایی را اقامه یا تعقیب نکند که به واهی بودن آن آگاهی دارد یا واهی بودن آن روشن است.

ب) به بهانه احقاق حق موکل، حقوق مسلم دیگر اصحاب دعوا را نادیده نگیرد و با رفتار حرفه‌ای زمینه روشن شدن حقیقت و اجرای عدالت را فراهم سازد.

ج) چنانچه در جریان وکالت، آگاه شود که موکل در دعوا بی‌حق است، استعفا دهد و در صورت ادامه کار، به گونه‌ای عمل کند که حقی پایمال نشود (۱۱).

د) چنانچه موکل تصمیم به اقداماتی خلاف منافع ملی یا عمومی گرفته باشد، در جهت منع وی اقدامات لازم را انجام دهد.

ه) چنانچه در جریان وکالت، دریابد که موکل مرتکب فریب‌کاری یا اقدام مخالف قانون، عدالت و انصاف می‌شود، بدون تأخیر توقف این اقدامات را درخواست کند و در صورت بی‌توجهی موکل، استعفاء دهد.

و) از قواعد شکلی برای احقاق حق موکل بهره نبرد، اما آن‌ها را دستاویزی برای اطاله دادرسی و ایجاد اختلال در روند رسیدگی قرار ندهد.

ز) از راهنمایی مراجعانی که مقاصد غیر قانونی دارند، بپرهیزد.

ح) چنانچه به‌عنوان نویسنده یا مشاور در تنظیم سندی دخالت داشته باشد، در صورت وقوع اختلاف در مورد آن، برای حل اختلاف بکوشد و در صورت نیاز، برای ادای شهادت در مراجع قضایی حاضر شود.

۸- تخلفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال موکل

وکیل در وهله اول در خدمت موکل و در پی احقاق حق وی است لذا در صورت بروز تخلف از سوی وکیل اولین فردی

نسبت به موکل خود امین باشد حقوق و اموال موکل را مانند مال خود دانسته و همان جدیت و مراقبت را که در حفظ مال و حقوق خود دارد نسبت به موکل نیز انجام دهد و حتی نسبت به دیگران هم این وظایف امانتداری را حفظ کند، زیرا اگر وکیل به حفظ حقوق دیگران لاپالایی و بی‌اعتنا باشد این عمل تأثیر به‌سزایی در لکه‌دار نمودن حیثیات و سوء شهرت او خواهد داشت که در نهایت به منافع مادی و معنوی او زیان وارد خواهد آورد.

۴-۶- اختلاس یا تصرف غیر قانونی: مقنن در سال

۱۳۵۵ با تصویب قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری اجازه تشکیل این صندوق را به منظور حمایت وکلاء و کارگشایان در برابر اثرات ناشی از پیری و از کار افتادگی و فوت را صادر نموده و این صندوق را دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی دانسته که از پرداخت مالیات معاف می‌باشد (شق ۲ قانون مزبور).

شق ۱۷ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵ چنین بیان می‌کند هرگونه برداشت یا تصرف غیر قانونی از اموال صندوق در حکم اختلاس یا تصرف غیر قانونی در اموال دولت است. مرتکبین این بزه می‌توانند وکلایی باشند که در کانون وکلاء یا در صندوق حمایت وکلاء و کارشناسان دادگستری دارای سمتی هستند و مشمول هر وکیل که صرفاً پروانه وکالت دارد نمی‌شود. مقنن در شق ۱۷ قانون مزبور هرگونه برداشت یا تصرف غیر قانونی را اختلاس یا تصرف غیر قانونی تلقی و قابل کیفر دانسته است در حالی که اختلاس با تصرف غیر قانونی بسیار متفاوت است.

در خصوص تفاوت بزه تصرف غیر قانونی و اختلاس باید گفت در بزه اختلاس مرتکب وجوه یا اموال سپرده‌شده را به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب می‌کند در حالی که در بزه تصرف غیر قانونی مرتکب بدون اینکه قصد برداشت و تصاحب اموال وجوه سپرده‌شده را به نفع خود یا دیگری داشته باشد صرفاً مبادرت به استفاده غیر مجاز از آن اموال می‌نماید

از آنجا که کارکنان صندوق مذکور در قانون موصوف کارمند دولت نمی‌باشند و صندوق نیز تشکیلات دولتی محسوب نمی‌گردد اختلاس مفهومی ندارد چراکه اختلاس به

که در معرض خطر قرار می‌گیرد و متضرر می‌شود، موکل است. در این فصل آن دسته از تخلفاتی که وکیل در رابطه با انجام تکالیف نسبت به موکل مرتکب می‌گردد را بررسی می‌نماییم.

۸-۱- تحصیل وکالت به صورت فریبنده: شق ۸۰

آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری مقرر می‌دارد: «در موارد ذیل متخلف به کیفر انتظامی درجه ۴ محکوم می‌شود در صورتی که به وسیله فریبنده تحصیل وکالت نماید».

تحصیل وکالت به صورت فریبنده مصادیق گوناگونی دارد که از آن جمله می‌توان به جعل عنوان وکیل پایه یک توسط کارآموز اشاره نمود و یا تبلیغ در روزنامه‌ها و مجلات و تبلیغ غیر واقع با استفاده عناوین و القاب در کارت ویزیت که موجب گمراهی مردم می‌شود مثلاً چاپ کارت ویزیت و درج قبول کار وکالت، تعیین ساعت و روزهای پذیرایی و یا درج شماره موبایل و تلفن، بدون تصریح سمت کارآموزی، تخلف انتظامی محسوب و کارآموز وکالت را در معرض تخلف کتمان عنوان کارآموزی و قبول کار به وسیله یا وسایل فریبنده قرار می‌دهد. این وضعیت در مواردی می‌تواند به‌عنوان مقدمه‌ای برای طرح سوء رفتار و مخاطره ابطال پروانه کارآموزی، فرد خاطی را تهدید کند. یکی از شیوه‌های متداول امروزی که موجب فریب مردم و در نتیجه تحصیل وکالت از طرق فریبنده می‌گردد، تبلیغ در رسانه‌های گروهی است.

۸-۲- انتقال قرارداد وکالت به دیگری: انجام امر

وکالت از امور قائم به شخص بوده و موکل با عنایت به شناختی که از توانایی‌های وکیل دارد جهت پیگیری و تعقیب امور خود به وی مراجعه می‌کند. شق ۷۹ آیین‌نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶ انتقال قرارداد حق‌الوکاله به دیگری مادام که کار انجام و خاتمه نیافته اعم از این که انتقال گیرنده وکیل باشد یا نه بدون رضایت موکل ممنوع است و متخلف به کیفر انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد ...».

آنچه مهم است اینکه مفهوم انتقال قرارداد وکالت با قید وکالت در توکیل تفاوت ظریفی دارد که تفکیک این دو از یکدیگر در بررسی این تخلف بسیار حائز اهمیت است. یکی از

قیودی که مطابق شق ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹) باید در وکالت‌نامه قید شود «داشتن حق وکالت در توکیل» است. چون اصل بر این است که وکیل حق توکیل به شخص دیگری را ندارد و کار محوله را باید شخصاً عهده‌دار انجام آن شود. آنچه در این مورد مهم است اینکه داشتن حق توکیل با انتقال مورد وکالت دو مقوله جداست. انتقال وکالت در موردی است که وکیل از روی اختیار و گاهی تقلب، بدون انجام امور وکالت یا با انجام قسمتی از آن این قرارداد را به شخص دیگری کلاً یا جزئاً منتقل نماید و خود کنار رود در حالی که وکالت در توکیل مواردی را شامل می‌گردد که وکیل با اجازه موکل در مواردی که خود احساس می‌کند برای انجام بهتر و سریع‌تر امور کسب نتیجه مثبت که به نفع موکل هم هست به دیگران وکالت دهد و در این مورد تقلبی نیز در کار نبوده و هدف انجام امور وکالت توسط شخص دیگری که موکل قبلاً اجازه آن را به وکیل داده است می‌باشد در هر حال باید توجه داشت که وکالت در توکیل جزء موارد استثنایی است که نباید وکیل از آن سوء استفاده نماید.

۸-۳- قبول وکالت به‌طور مصادعه: شق ۳۹ قانون

وکالت مصوب ۱۳۱۵ بیان می‌دارد: «وکیل حق ندارد دعاوی را به صورت مصادعه یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم خود انتقال گیرد و این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به کیفر انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد»، هرچند قبول وکالت به این طریق خود نوعی خدعه است که در امر وکالت صورت گرفته، ولی در این مورد طرف خدعه تفاوت می‌کند. در قبول وکالت به صورت فریبنده این موکل است که متضرر می‌شود، ولی در این مورد جامعه از این خدعه متضرر می‌گردد.

۸-۴- دریافت حق‌الوکاله اضافی: وکالت در اصل از

عقود تبرعی و مجانی است و هنگامی که در آن شرط اجرت به‌طور صریح یا ضمنی شده باشد جزو عقود معاوضی خواهد بود (۱۲).

برای انجام امور محاکمات قراردادی بین وکیل و موکل منعقد و در قرارداد مذکور به واسطه عدم اطلاع و بصیرت

می‌شود. در صورتی که نسبت به موضوعی که قبلاً به مناسبت سمت قضایی یا داوری اظهار عقیده کتبی کرده قبول وکالت نماید.

۸-۸- افشای اسرار موکل: سر یا اسرار در قوانین

موجود تعریف نشده و حتی در آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء نیز که برای افشاء اسرار به شرح بند ۲ شق ۸۱ و بند ۵ شق ۷۶ همان قانون کیفر ممنوعیت از سه ماه تا سه سال از حرفه وکالت را مقرر داشته است، تعریفی از سر یا اسرار به دست نداده است.

قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ در شق ۳۱ چنین بیان داشته: وکیل باید اسراری که به وسیله وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

ضمانت اجرای این شق در آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال

کانون وکلای دادگستری پیش‌بینی شده است شق ۸۱ آیین‌نامه مذکور مقرر داشته: متخلف در موارد ذیل به کیفرهای انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد. در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشاء نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت اعتبار موکل باشد (۱۴) و نهایتاً اینکه شق ۸۸ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مقرر می‌دارد کارآموزان مشمول مقررات انتظامی در این آیین‌نامه خواهند بود و بالاخره اینکه تبصره ۳ شق ۶۹ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مقرر می‌دارد کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند، چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تأیید رئیس کانون و رأی دادگاه انتظامی پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد.

۸-۹- قبول وکالت طرف مقابل پس از استعفا یا عزل

از وکالت: شق ۶۷۸ قانون مدنی در طرق مختلفه انقضاء وکالت می‌گوید. وکالت به طرق ذیل مرتفع می‌شود: الف) به عزل موکل، ب) استعفای وکیل، ج) به موت یا به جنون وکیل یا موکل. و در این خصوص وکیل حق ندارد پس از عزل یا استعفا وکالت طرف مقابل موکل خود را عهده‌دار شود.

موکل شروط غیر عادلانه به نفع وکیل مقرر و حتی حق صلح با طرف نیز از موکل سلب و برای خود اختیارات وسیعی قائل شود که این قسم از قرارداد برخلاف انتظار و از یک نفر وکیلی است که شغل خود را وکالت قرار داده و این نحو از سلوک و رفتار با موکلین مخالف با انتظام وکالت رسمی باشد (۱۳).

۸-۵- اطلاع ندادن استعفا به موکل: وکالت از عقود

جایز است و به عزل موکل یا استعفای وکیل و بالاخره با فوت یا جنون هر یک از طرفین مرتفع می‌گردد (شق ۶۷۸ قانون مدنی) لذا وکیل هر لحظه می‌تواند با تقدیم استعفا نامه به موکل و دادگاه از وکالت استعفا دهد لکن استعفای وکیل یا عزل موکل هر کدام آثاری دارد که ممکن است جریان دعوا را تحت تأثیر قرار دهد به همین جهت نیز مقنن رعایت تشریفات را برای بیان استعفا وکیل ضروری می‌داند که از آن جمله اطلاع‌رسانی به موقع به موکل است.

۸-۶- قبول وکالت با وجود معاذیر: معاذیر وکالت

دارای مصادیق متنوع و گوناگونی است قبول وکالت با وجود برخی معاذیر مانند قبول وکالت در امری که قبلاً سابقه اظهار نظر قضایی وجود دارد، قبول وکالت در محاکم بالاتر از درجه، قبول وکالت با وجود جهت رد وکیل و

۸-۷- قبول وکالت با وجود اظهار نظر قضایی در آن

امر: چنانچه وکیل در امری که سابقاً در آن خصوص اظهار نظر قضایی نموده است قبول وکالت نماید، تخلف انتظامی مرتکب شده است به موجب بند سوم شق ۹ اساسنامه رم (Statute) وکیل باید از قبول وکالت موکل در ارتباط با هر موضوعی که خود به‌عنوان دادرسی یا کارمند دادگاه یا هر سمت دیگری در آن شرکت داشته است خودداری کند مگر آنکه مدیر دفتر پس از مشاوره با طرفین نسبت به آن رضایت دهد.

شق ۴۰ قانون وکالت بیان داشته وکلاء نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند ضمانت اجرای این شق در آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری پیش‌بینی شده است شق ۸۰ آیین‌نامه مذکور آورده در موارد ذیل متخلف به کیفر انتظامی درجه ۴ محکوم

است، مع‌الوصف به جهت عدم وجود رویه قضایی، حقوق‌دانان خصوصاً راه‌حل اشتباه، به چند دسته تقسیم می‌گردند که به آنها اشاره می‌شود:

۱. طرفداران بطلان عقد: این عده به جهت تعارض عقد با مقصود طرفین آنرا موجب بطلان می‌دانند.

۲. طرفداران عدم نفوذ: این گروه با توجه به ظاهر مواد ۱۹۹ تا ۲۰۱ ق.م و اینکه از مواد ۱۱۰۹ و ۱۱۱۰ ق.م فرانسه اقتباس شده است، اشتباه در موضوع معامله و شخصیت طرف را از اسباب عدم نفوذ قرارداد شمرده‌اند، بدین مفهوم که مشتبه در همه موارد می‌تواند عقد را تنفیذ کند (۱۵).

۳. طرفداران دسته‌بندی اشتباه: در این گروه بعضی از انواع اشتباه را موجب بطلان بعضی دیگر را موجب عدم نفوذ می‌دانند (۱۶).

به نظر می‌رسد اگر اشتباه درخصوص «رضا» باشد موجب عدم نفوذ و اگر در مرحله «قصد» باشد سبب بطلان آن می‌شود. مقدمه فوق به جهت اثر حقوقی اشتباه و نظرات گوناگون در این خصوص تحریر گردید و حال به ضمانت اجرای اشتباه وکیل می‌پردازیم.

۴) اشتباه وکیل: اگر اشتباهی از ناحیه وکیل رخ دهد برای تشخیص درجه تأثیر اشتباه، بایستی حدود دخالت اراده وکیل و مرحله قصد و رضا از یکدیگر تفکیک شود و اینکه در کدام مرحله و در کدام وضعیت حقوقی «عدم نفوذ - بطلان» ضرر بیشتری متوجه موکل می‌گردد، باید قائل به تمیز بود.

۹-۱- **جبران خسارت:** همان‌طور که در مباحث پیش ذکر شد با جمع شدن ارکان مسؤلیت (تقصیر - سبب عرفی - رابطه سببیت) زیان دیده می‌تواند از عامل زیان و از طریق محکمه قضایی مطالبه خسارت کند چه اینکه کسی که به دیگری ضرری وارد می‌کند باید از عهده آن برآید و نتیجه عمل نامشروع خود را ببیند، در این راستا شق ۱ ق. مسؤلیت مدنی مقرر می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان سلامتی، مال، آزادی یا حیثیت یا ... یا به هر حق دیگری ... لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» و شق ۳ همان قانون بیان می‌دارد:

۱۰-۸- **خیانت وکیل نسبت به موکل:** وکلاء باید در مورد قبول هر دعوایی منافع شخصی و خصوصی خود را که با منافع موکلینشان تعارض دارد کاملاً اظهار داشته و از هرگونه وابستگی و خویشاوندی که با طرف دعوی دارند به موکل تذکر دهند و حتی به او خاطر نشان نمایند که در تحت نفوذ و فشارهایی است که منافی با منافع موکلینش می‌باشد، البته همان‌گونه که قبل اشاره شد مقتن در قوانین آیین دادرسی موارد رد وکیل تعیینی را مشخص نکرده و آنچه در خصوص وکیل تسخیری مقرر شده در مورد وکیل تعیینی قابل تسری نمی‌باشد لذا وکیل در قبول وکالت حتی در صورت وجود قرابت با طرفین ممنوعیتی ندارد، ولی تکلیف دارد چنانچه این قرابت‌ها برای معذوریتی ایجاد می‌کند یا منافع موکل را تحت تأثیر قرار می‌دهد به موکل گوشزد نماید.

شق ۴۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ می‌گوید: در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارت وارده بر خود را از او مطالبه نماید. در این خصوص شق ۸۲ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری نیز در این خصوص بیان می‌دارد: متخلف از مقررات ذیل به کیفر انتظامی درجه ۶ محکوم خواهد بود.

۹- اثر حقوقی اشتباه وکیل

قانون مدنی خصوصاً اثر حقوقی اشتباه مبهم و متعارض است شق ۱۶۹ ق.م رضای حاصل در نتیجه اشتباه را موجب نفوذ معامله نشمرده است و شق ۲۰۰ نیز اشتباه راجع به خود موضوع معامله را سبب «عدم نفوذ عقد» اعلام می‌کند. و از دیگر سو در مورد اعتبار و نفوذ بخشیدن به عقد در مورد اکراه پیش‌بینی شده (۲۰۹)، در مورد اشتباه سخنی به میان نیامده است، گویی که درجه تأثیر این دو عامل «اشتباه و اکراه» در اراده یکسان نیست و عقد ناشی از اشتباه را نمی‌توان اجازه کرد و شق ۳۵۳ ق.م نیز اشتباه در جنس مبیح را سبب بطلان عقد می‌داند، و شق ۷۶۲ نیز در مبحث صلح مؤید شق ۳۵۳ می‌باشد، و شق ۲۰۰ قانون مدنی با استعمال عبارت ... به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد ... بر این ابهامات افزوده

آن به کیفر مقرر می‌رسد، در کشور ایران قانون وکالت در ۲۵ بهمن ۱۳۹۵ و آیین‌نامه آن در سال بعد در ۱۳۱۶/۰۳/۱۹ به تصویب قوه مقننه رسید و حدود ۱۸ سال بعد، لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری در تاریخ ۱۳۳۳/۱۲/۰۵ توسط کمیسیون‌های مشترک مجلسین در ۲۶ شق و آیین‌نامه آن در سال بعد در ۱۳۳۴ در ۸۹ شق به تصویب رسید و بخش ششم از آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری تحت عنوان تخلفات و کیفرها به تخلفات وکلا و کیفرهای آنها، اشاره و تصریح دارد که چکیده‌ای از آنها به‌عنوان طرق دیگر جبران خسارت ذکر می‌کنیم.

کیفرهای انتظامی عبارتند از:

- (۱) اخطار کتبی،
- (۲) توبیخ کتبی با درج در پرونده وکلا،
- (۳) توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلا،
- (۴) تنزل درجه،
- (۵) ممنوعیت از وکالت از ۳ ماه تا ۳ سال.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان گردید مقاله فوق در خصوص مسئولیت مدنی و جزایی وکیل در راستای امر وکالت در قبال موکل با تأکیدی بر حقوق شهروندی می‌باشد بین حقوق جزایی و مدنی در خصوص مسئولیت وکیل اشتراک وجود دارد به گونه‌ای که در اکثر جرایم که در متن بیان گردید ضمن بار نمودن مسئولیت جزایی نسبت به وکیل، مسئولیت مدنی جبران نمودن خسارات وارده که در اثر آن بزه زبانی به موکل بار می‌شود را وکیل باید متحمل گردد. با انعقاد عقد وکالت وکیل و موکل در برابر یکدیگر دارای حق و تکالیفی می‌گردند و همچنین وظایف و مسئولیت‌های متقابلی در برابر هم پیدا می‌کنند که زمینه‌ساز مسئولیت‌هایی برای وکیل می‌باشد که ممکن است در اثر تخطی وکیل از وظایف قانونی و صنفی خود مسئولیت جزایی و مدنی بر وی تحمیل گردد. وکیل باید ضمن رعایت قوانین و مقررات و با حفظ حقوق شهروندی در راستای امر وکالت مطابق ضوابط و قوانین موضوعه پیش رود که منجر به حدوث بزه از طرف وی نگردد تعهدات وکیل در

«دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آنرا با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آنکه بدهکار تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه تجویز نماید».

۱-۱-۹- طرق جبران خسارت:

(الف) بازگرداندن به وضعیت پیش از ورود خسارت،
(ب) دادن بدل،

(پ) بازگرداندن وضع به وضعیت پیش از وقوع خسارت: در صورتی که موضوع قرارداد وکالت انجام دادن کار معینی باشد و وکیل از انجام آن شانه خالی کند، موکل می‌تواند الزام او را به انجام آن خواستار گردد.

۱-۱-۱-۹- تعیین میزان خسارت وارده از سوی وکیل: همان‌طور که قبلاً بیان کردیم، اگر در ضمن قرارداد وکالت شرط شده باشد که در صورت تخلف وکیل، وجه التزامی (شرط جزایی) به میزان معینی قید شود و وکیل مکلف به تادیه آن باشد با عنایت به شق ۲۳۰ ق.م.حاکم نمی‌تواند او را بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم است محکوم کند و اگرچه میزان خسارت در ضمن قرارداد تعیین نشده باشد یا نص قانونی خاصی وجود نداشته باشد، دادگاه میزان زیان را با توجه به قرائن قضیه، تعیین خواهد کرد و همچنین به موجب عرف هم حکم به خسارت داده می‌شود. و شق ۴ قانون مسئولیت مدنی مواد ذیل را از جهات مخففه می‌داند.

(۱) هر وقت پس از وقوع خسارت وکیل به نحو مؤثری به زیان‌دیده (موکل) کمک و مساعدت کرده باشد.

(۲) هر وقت وقوع خسارت از غفلت وکیل بوده که عرفاً قابل چشم‌پوشی باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وکیل گردد.

۳- وقتی که زیان‌دیده (موکل و ثالث) به نحوی از انحای موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده و یا با اضافه شدن آن کمک یا وضعیت وکیل را تشدید کرده باشد.

۱۰- کیفرهای انتظامی وکیل

طرق دیگر جبران ضرر و زیان به جای مسئولیت مدنی بر روش‌های نظارت صنفی و کانونی تکیه می‌کند (۱۷). طبق این روش موازینی در مورد رفتار و عملکرد وکلا وضع و متخلف از

برابر موکل خود یا به‌طور مستقیم و یا به صورت غیر مستقیم از منشاء عقد وکالت است ایضاً این امکان وجود دارد منشا آن توافق وکیل و موکل در قالب شروط و تعهدات ضمن عقد یا به‌طور مستقل باشد که در هر حال ایفاء تعهدات مزبور لازم است. ممکن است وکیل دادگستری مرتکب جرایم عمومی شود که همچون اشخاص عادی مسؤولیت خواهد داشت (مسؤولیت عام جزایی) و نیز ممکن است به علت ارتکاب جرایمی مسئول شناخته شود که مقنن جزایی برای وکلا بزه‌انگاری نموده باشد که در این صورت به کیفر مقرر در قانون محکوم خواهد شد (مسؤولیت خاص جزایی). در مقابل مواردی نیز وجود دارد که در مقاله و چکیده به آنها اشاره گردید که به علت عدم پیش‌بینی ضمانت اجرا توسط مقنن، عمل وکیل فاقد هرگونه مسؤولیت جزایی خواهد بود. در محاکم دادگستری و در پرونده‌های حقوقی یا جزایی طرفین یا یک طرف دعوا برای پیروزی و برنده نهایی در دعوی مطرح‌شده به متخصصین این عرصه که وکلای دادگستری باشند مراجعه نموده و با مطرح نمودن دعوی و ارائه ادله و مدارک قرارداد و تعهدی بین وکیل و موکل منعقد می‌گردد بنابراین با توجه به قرارداد منعقد شده در زمینه پرونده مطرحه این مسأله تعهدی را برای وکیل ایجاد می‌نماید که، وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد. و چنانچه در این زمینه کوتاهی قصور و تخلفی انجام دهد ممکن است کیفر جزایی و یا مسؤولیت مدنی را برای ایشان به دنبال داشته باشد.

References

1. Shoja Pourian, S. Civil Liability Due to Physician's Occupational Error-First Edition-Ferdowsi Publications; 2010. p. 13.
2. Katozian, N. Civil Law (Coercive Guarantee-Civil Liability)-University of Tehran Press; 1990. p. 13.
3. Jafari Langroudi, MJ (1988) Legal Terminology-Ganj-e-Danesh Press, Second Edition; 1988. p. 642.
4. Ashouri, Criminal Procedure (Volume 1), Samat Publications, Tehran; 2012. p. 217.
5. Hosseini Nejad, Hosseinghli, Civil Liability, Majd Publications, Tehran; 2010. p. 15
6. Mansoorian, J .The role of a lawyer in the spring and summer of 1969-Nos. 19 and 2: p. 6.
7. Qasemzadeh, S. M . Advocacy without Termination Quarterly Journal of Legal Opinions-No. 3:1996; p. 990.
8. Mousavi Khomeini, R-Tahrir al-Waseela-Translated by Ali Eslami Twenty-sixth edition, Volume 3-Islamic Publications Office, Qom; 2013. p. 66.
9. Mir Mohammad Sadeghi-H, Crimes against property and ownership, 17th edition, Mizan Publishing, 2007. p. 163.
10. Azmayesh-S, Raisi-M. Violations and disciplinary punishments of lawyers, third line publications, fourth edition; 2007. p. 48.
11. Bernardi, A. and Motamedi, "Code of Professional Conduct for Lawyers Defending the International Criminal Court" translated, Journal of the Central Bar Association, Fall and Winter 2002, No. 9-10, p. 178-179.
12. Bahrami-B, Advocacy, Official Gazette Publications Second Edition; 2008. p. 16.
13. Bakhtar, SA and Raisi, M. Complete collection of views on procedural unitySupreme Court, Third Line Publications, Third Edition, Tehran; 2007. p. 31.
14. Shafafi - B . Professional ethics and in general in the mirror of the prosecutor's office and disciplinary courts, Journal of the Bar Association; 2005. p. 14.
15. Emami, S. Civil Law, Volume 4, Islamic Publications; 2014. p. 40.
16. Katozian, N. General Rules of Contracts-Volume I, Treasure of Knowledge. Tehran; 2015. p. 467.
17. Zahedin Labaf, MH (2004) Civil Liability of Judges in the United States-Journal of the Bar Association; 2004. p. 171.